

“مجمع تشخیص مصلحت”

می‌تواند در آن مجمع مطرح شود” (همانجا)
مقامات جمهوری اسلامی اظهار امیدواری کرده‌اند مجمع جدید که با حساب احمد خمینی، از ۱۲ آخوند، نخست‌وزیر و “وزیر مربوطه” تشکیل می‌شود، بن‌بست قانونگذاری از میان برود. هم در نامه مقامات درجه اول حکومتی به خلیفه جماران، هم در حکم صادره از سوی خمینی در پاسخ این نامه و هم در موضعگیری‌های همه آخوندها و مکلامای رژیم، مبنای صدور “احکام حکومتی” یعنی قوانینی خارج از چارچوب قوانین اولیه اسلامی، “مصلحت نظام” بقیه در صفحه ۲

میرحسین موسوی نخست‌وزیر رژیم آخوندی در روز یکشنبه ۱۸ بهمن بدنبال انتشار حکم خمینی مبنی بر تشکیل “مجمع تشخیص مصلحت” برای صدور “حکم حکومتی”، اعلام کرد “بیژودی آئین نامه‌ای برای مجمع تشخیص احکام حکومتی تدوین خواهد شد که به‌تایید حضرت امام خواهد رسید” (کیهان ۱۸ بهمن). موسوی در مورد اختیارات “مجمع” جدید گفت در حکم خمینی “تنها روی اشکالات شرعی تکیه نشده بلکه اشکالات قانونی نیز مورد تأکید قرار گرفته و مغفول مشکلاتی است که در رابطه با قانون اساسی پیدا می‌شود و فکر حضرت امام همین است که



دوشنبه ۲ اسفند ۱۳۶۶ - برابر ۲۲ فوریه ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۹۶

جشن‌های گرامیداشت ۱۹ بهمن

عرصه پرشکوه اعلام همبستگی با رزم و عزم فدائیان خلق

در این شماره به درج گزارش برگزاری جشن از چند کشور می‌پردازیم:

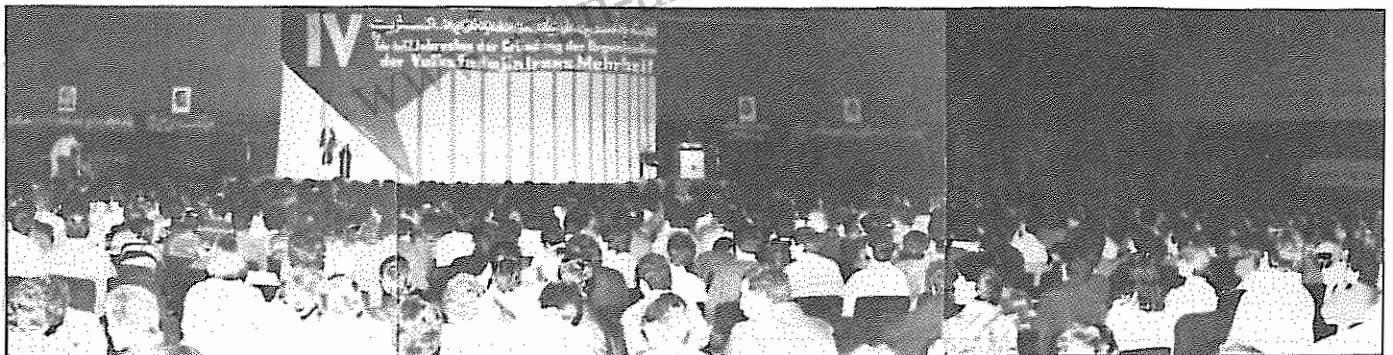
آلمان فدرال

روز ۲۴ بهمن انبوه عظیمی از ایرانیان، بیش از سه هزار نفر، در شهر دویسبورگ آلمان فدرال گرد آمدند تا همراه با فدائیان خلق مقدمین سالکشت ۱۹ بهمن را گرامی دارند. آنان گرد آمدند تا یاد راه فدائیان را گرامی دارند که سلاح جان برکف درفش نبرد جاسی علیه ارتجاع و امپریالیسم را بر افراشتند آنان گرد آمدند تا خنجر خشم خویش علیه جمهوری اسلامی را سیقل دهند. بقیه در صفحه ۲

انسانها... در جایی خاموش کردن دستگاه ورودیدل تیرینی که خود تجدید پیمانی برشکوه است و در مکانی دیگر گرد آمدن برای تجلیل از قهرمانی‌ها و حماسه‌ها از زبان رفقای پرتر به‌تر درپوش جشن‌های خانوادگی و...

در خارج از کشور نیز، امسال، فدائیان خلق در شهرها و کشورهای مختلف جهان، جشن و آذین‌ها را با خود را با شکوه هر چه بیشتر برگزار کردند. حضور گسترده هم میهنانمان در خارج از کشور و اعلام همبستگی گسترده و رزمجویانه نیروهای پیشرو و انقلابی جهان با فدائیان خلق شکوه غرور آفرین جشن را مبین بود.

هر خانه، هر واحد سازمانی، هر کارخانه، هر سلول شکنجه‌گاه، هر آنجایی که یک فدایی خلق حضور داشته باشد جشن ۱۹ بهمن، جشن گرامیداشت سالروز بنیانگذاری سازمان حماسه و بیویایی نیز برپاست. بزرگداشت این روز بزرگ ایغجا و آنجا در شکل دگرگونی می‌یابد، اما همه جا پرشکوه است و فراموش ناشدنی. در جایی شکوه آن در شیرینی حبه قندی تجلی می‌یابد که مدت‌ها پیش در فرصتی، مخفیانه از اطاق بازجو برداشته شده و برای برپایی جشن ۱۹ بهمن در سلول افرازی، حفظ گشته است و در جایی دیگر در بندهای عمومی، در شکوه همسانی حرکات ورزشی معینی، حرکت همایون، حرکت



نمایی از سالن محل جشن سالگرد بنیانگذاری سازمان در دویسبورگ - آلمان فدرال

نگاهی به چند و چون لایحه مالیاتها

مصوب سال ۴۵ - برائت “قنی‌تر” است. گرچه قانون دوران ستمشاهی هنوز به لحاظ اجرائی، لغو نشده است. اما رژیم در صدد است قانون جدید را جایگزین آن سازد.

علت تمایل به تغییر ساختار مالیاتی

توجه اکید رژیم به مالیاتها به سال ۶۲ برمی‌گردد توجه رژیم به سیاست مالیاتی و تغییر ساختار مالیاتی کشور، با دورجدید و شدید بحران اقتصادی رابطه‌ای عمیق دارد. دورجدید بحران اقتصادی کشور در سال ۶۲ آغاز شد، ولی نشانه‌های بارز وقوع آن در سال ۶۲ هویدا گشت. رژیم از نعمات درآمد ارزی سرشار سال‌های ۶۲ - ۶۱ سرمست بود، که بهای نفت به یکباره سیر نزولی خود را آغاز کرد. کاهش بقیه در صفحه ۶

مردم رنج‌دیده میهن، آفانی که از برکت وجود رژیم فقها، جز فقر و محرومیت نصیبی ندارند، بدرستی نام وزارت اقتصاد و دارائی را، “وزارت اقتصاد داراها” نهاده‌اند. چه این وزارتخانه همپا و همکام با دیگر نهادهای حکومتی در کار “تعالی” بخشیدن و به “کمال” رسانیدن رنج‌نامه زندگی توده‌های میهن بوده است و سرمایه‌سالاری و زراوندوزی بی‌کران را به بهای ورشستگی و فقر و فاقه زحمتکشان، پاس داشته است. اینک از این باغ، بردیگری می‌رسد و آن هم لایحه جدید مالیاتهاست. لایحه مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، مفت‌هاست که در مجلس شورای اسلامی، در دستور کار قرار دارد. لایحه جدید مالیاتها ۲۷۲ ماده و ۵ باب دارد که از حیث دایره شمول از قانون مالیاتهای پیشین که در حکومت ستمشاهی به تصویب رسید - قانون مالیاتها،

در این شماره

● گزارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل درباره سرکوب اقلیت‌های مذهبی در ایران در صفحه ۲

● آی تو ماح، خون‌شرازه... در صفحه آخر

در صفحه آخر

● تاریخ نویسی به سبک آخوندی در صفحه ۹

● آموزش لنین

درباره انتقاد، انتقاد از خود و علنیت

در صفحه ۸

“مجمع تشخیص مصلحت”

بقیه از صفحه اول
است. این، اعترافی است به اینکه قوانین اسلامی نمی‌تواند پاسخگوی ضروریات اداره جامعه سرمایه‌دار، باشد.

خمینی پیش از آنکه بر مسند حکومت تکیه بزند، در کتاب “ولایت فقیه” نوشت، “... حکومت اسلامی حکومت قانون الهی بر مردم است. فرق اساسی حکومت اسلامی با حکومت‌های مشروطه سلطنتی و جمهوری در همین است. در این که نمایندگان مردم یا شاه در اینگونه رژیم‌ها به قانونگذاری می‌پردازند در صورتیکه قدرت مقننه و اختیار تشریح در اسلام به خداوند متعال اختصاص یافته است. شارع مقدس اسلام یگانه قدرت مقننه است. هیچ کس حق قانونگذاری ندارد و هیچ قانونی جز حکم شارع را نمی‌توان به‌مورد اجرا گذاشت.” خمینی در آن زمان او این هم فراتر رفت و افزود: “به‌همین سبب در حکومت اسلامی به‌جای مجلس قانونگذاری... مجلس پرشماره ریویز وجود دارد که برای وزارتخانه‌های مختلف دربرتر احکام اسلام برنامه‌ریزی می‌دهد.”

بنابر این در طرح اولیه حکومت اسلامی خمینی، خارج از چارچوب “قانون الهی” نه جایی برای قانون هست و نه قوه مقننه پیش‌بینی شده است. خمینی در همان کتاب، منظور خود از قانون الهی را به صراحت نوشته است: “حکومت کنندگان... مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم (ص) معین گشته است. مجموعه شرط همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت و اجرا شود.” ضروریات زمان و مصلحت‌ها، حکومت کردن، اجازه نداد تا طرح کامل حکومت اسلامی همانگونه که در کتاب “ولایت فقیه” ترسیم شده بود، بی‌کم و کاست اجرا شود، و گرنه به‌قول یکی از آخوندهای مجلس خبرگان سال ۵۸، در اسلام نه‌خبری از جمهوری هست و نه از پارلمان، اسلام تنها یک خلیفه دارد، یک شمس و یک قمر وزیر. تز ولایت فقیه بر این ادعا استوار بوده است که “احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام اجتماعی را می‌سازد. در این نظام حقوقی، هر چه بشر نیاز دارد فراهم آمده است...” (از کتاب ولایت فقیه) اینک ورشکستگی این تز مورد

اذعان خود خمینی نیز قرار می‌گیرد. “مجمع تشخیص مصلحت” تشکیل می‌شود تا هر جا منفعت حکومت فقها ایجاب کند، “حکم حکومتی” جای فقه را بگیرد.

خمینی برای شکستن بن‌بست قانونگذاری، به “حکم حکومتی” متوسل شد. از آخوندهای حکومتی، کسی جرأت نکرد بر این توجیه شرعی “اشکال کند” و دستور خمینی “مورد اتفاق نظر صاحب نظران قرار گرفت” (از نامه موسوی اردبیلی، خامنه‌ای، احمد خمینی، موسوی و رفسنجانی به خمینی) اما کشمکش‌های میان آخوندها در مورد سیاست اقتصاد، حکومت با این تدبیر پایان نمی‌پذیرد، بلکه تقابلیت از پیش به عرصه بحث وجدل درباره “مصلحت نظام اسلامی” کشانده می‌شود. نخستین نشانه‌ها، حاکی از آن است که مدافعان پروپا و قرص “فقه سنتی” قصد ندارند عرصه جدید را در بست در اختیار رقبا بگذارند. خزعی از آخوندهای شورا، تکبیران یکی از سرمداران “رسالتی”‌ها، پس از صدور فرمان بن‌دید خمینی گفت حکم خمینی “گروه مشکلات حکومتی را بازی می‌کند و باید قدر این را بدانیم که حکومت بدست اهلبش افتاد.” (رسالت ۲۱ بهمن) عسکراولادی، چهره دیگر جناح مدافع بی‌قید و شرط بازار، حکم خمینی را حاوی “غایت افتخار به فقهای شورا، تکبیران و عده مسئولان نظام” دانست و افزود خمینی با حکم خود تایید کرده است “عدم توافق مجلس شورای اسلامی و شورای تکبیران از روی دقت شرعی و قانونی بوده است” (رسالت ۱۹ بهمن). در مجموع، جناح “فقه سنتی” کوئید “صلاحیت” خود را در تشخیص “مصلحت” مورد تاکید قرار دهد. سر مقاله‌های روزنامه رسالت به قلم آخوند آذری، قمی، حاوی استقبال از حکم اخیر خمینی و دعوت به “وحدت” است.

فرمان اخیر خمینی، شیوه استدلال آخوندها در دفاع از مواضعشان در سیاست‌های حکومت عرصه‌های مختلف، به‌ویژه عرصه اقتصادی را تغییر داده است، اما نمی‌تواند و نخواهد توانست به‌خود بحران در حکومت که ریشه در تنوع منافع معین اقتصادی و سیاسی گروه‌های مختلف درون رژیم و

مهمتر از آن، در تقابل کامل خواسته‌ها و نیازهای مردم با خود رژیم دارد، پایان دهد.

بحران ادامه خواهد یافت و تشدید خواهد شد. خود “مجمع تشخیص مصلحت” نیز به عرصه‌ای برای کشمکش‌ها به مثابه تجزیه بحران، تبدیل خواهد گشت.

روزنامه رسالت در صفحه اول شماره ۱۸ بهمن خود، عکس اعضای “مجمع تشخیص مصلحت در احکام حکومتی” را چاپ کرده است. از راست به چپ:

خامنه‌ای، رفسنجانی، اردبیلی، خوئی‌ها، میر حسینی موسوی، صافی، امامی‌کاشانی، خزعلی، جنتی، کیلانی، مومن، توسلی.

اعضای “مجمع تشخیص مصلحت در احکام حکومتی”



گزارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل درباره سرکوب اقلیت‌های مذهبی در ایران

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو گزارشی در مورد نقض آزادی عقیده مذهبی در سراسر جهان انتشار داده است. در این گزارش، اعدام و استکان به اقلیت‌های بهایی در ایران به‌عنوان خشن‌ترین نوع سرکوب اقلیت‌های مذهبی ثبت شده است. این گزارش حاکی است از هنگام به قدرت رسیدن فقها در ایران، ۲۰۰ بهایی تنها به علت مذهب خود اعدام شده‌اند. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، جمهوری اسلامی را به‌عنوان نقض‌کننده آزادی عقیده مذهبی، مصرحه در بیانیه حقوق بشر، محکوم کرد.

تصحیح و پوزش

در شماره گذشته نشریه در صفحه اول، شماره نشریه بجای ۱۹۵ اشتباهاً ۱۹۶ درج شده است که ضمن پوزش تصحیح می‌گردد.

تراکت فوق رایگی از واحدهای فدایی در تهران به مناسبت هفدهمین سالگرد سازمان تهیه و توزیع کرده است.

تورگورت اوزال روز ۹ اسفند وارد تهران می‌شود

مفته گذشته ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در راس یک هیات سیاسی و اقتصادی وارد آنکارا شد. هیات نمایندگی جمهوری اسلامی طی اقامت سه روزه در آنکارا، دیدارهایی با رئیس مجلس، نخست‌وزیر، وزیر امور خارجه و وزیر مشاور در امور اقتصادی ترکیه انجام داد.

در آستانه سفر ولایتی به ترکیه برخی از مطبوعات این کشور اعلام کردند که موضوع تدارک مقدمات انعقاد قرارداد احداث خطلوله انتقال نفت امواز به کرانه مدیترانه‌ای خاک ترکیه، سفر آتی تورگورت اوزال به تهران، مایل مربوط به جنگ ایران و عراق، به آن خلیج فارس و مشکلات موجود در روابط تجاری ترکیه و ایران در دستور مذاکرات هیات سیاسی - اقتصادی جمهوری اسلامی با مقامات آنکارا می‌باشد.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در بازگشت از ترکیه طی یک مصاحبه رادیو تلویزیونی با شهرگزاری جمهوری اسلامی، ضمن تأیید مطالب منتشره از سوی مطبوعات ترکیه، اظهار کرد که مناسبات اقتصادی بین دو کشور طی هشت سال گذشته رو به پیشرفت بوده و هم‌اکنون ترکیه سومین شریک ایران به حساب می‌آید. ولایتی در مورد پروتکل ۴ میلیارد دلاری، احداث خطلوله نفتی توضیح داد که در این زمینه در آنکارا مذاکراتی صورت گرفت و تصویب نهایی مذاکرات و قراردادها به دیدار نخست‌وزیران دو کشور در تهران موکول گردید. وی نقش میانجیگری اوزال را در جنگ ایران و عراق تکلیف کرد و آن را تبلیغات مطبوعات خارجی خواند.

مطابق گزارش مطبوعات جمهوری اسلامی قرار است اوزال روز ۹ اسفند وارد تهران شود. مقصد بعدی اوزال، بغداد و دیدار با صدام حسین است. اوزال قبلاً اعلام کرده بود که مسئله دادوستد ایران و ترکیه یکی از مایل مورد مذاکره وی با مقامات تهران است.

حجم مبادلات بازرگانی ایران و ترکیه که در سال ۸۷ در آنکارا به امضا رسید ۲ میلیارد دلار پیش‌بینی شده بود. گزارش‌های منتشره حاکی است که علیرغم تلاش‌های جمهوری اسلامی ارزش مبادلات تهران و آنکارا در یازده ماهه سال گذشته پایین‌تر از ۱/۲ میلیارد دلار بوده است. طبق این قرارداد می‌بایستی ترکیه حدود پانصد میلیون دلار کالای غیرنفتی از ایران خریداری کند. حال آن که همین مبلغ یادشده نیز بصورت یکطرفه و از طریق صدور فرآورده صنعتی و کالاهای ترکیه به تهران و صدور حجم عظیمی از نفت خام ایران به ترکیه تأمین شده است. ترکیه علیرغم قرارداد امضا شده از خرید مواد غیرنفتی خودداری می‌کند و هم‌اکنون بخشی از مشکلات تجاری موجود ناشی از همین اقدام آنکارا است. بنا به اظهار نبوی وزیر صنایع سنگین و مینرگسترش روابط با ترکیه، سال گذشته این کشور کمتر از ۵ درصد تعهد خود کالای غیرنفتی از ایران خریداری کرد.

بهاران هوایی تلافی جویانه

حوالی شیراز و منابع نفتی "امام حسن" از جمله مناطقی بودند که در جریان همین حمله هدف بمباران قرار گرفتند و شدیداً آسیب دیدند.

جمهوری اسلامی ضمن تأیید گزارش حمله جنگنده‌های عراقی به مجتمع صنعتی شیراز اعلام داشت که در یورش هواپیماها به منطقه "امام حسن"، ۱۲ تن کشته و عده‌ای مجروح شده‌اند.

گزارش‌های منتشره از سوی ایران حاکی است که درگیری‌های زمینی در هفته گذشته در منطقه جبهه میانی در استان دهلوک عراق بوده است.

خبرگزاری جمهوری اسلامی سه شعبه هفته گذشته به نقل از اطلاعات ارتش اعلام کرد که به تلافی حملات عراق به شهرهای مسکونی ایران در استان فارس، کارخانه پتروشیمی بصره توسط نیروی هوایی ایران بمباران شد.

پیش از بمباران بصره، خبرگزاری رویتر با استناد به اظهارات سخنگوی نظامی عراق گزارش داده بود که جنگنده بمب افکن‌های عراق تاسیسات صنعتی و مراکز نفتی ایران واقع در استان فارس و خوزستان را بمباران کرده‌اند.

مجتمع تولید ابزارهای الکترونیک واقع در

خامنه‌ای به ریاست مجمع "تشخیص مصلحت نظام اسلامی" برگزیده شد

گزارش مصوبات اولین نشست "مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی" که بعد از ظهر روز شنبه ۲۴ بهمن ماه در محل دفتر ریاست جمهوری برگزار شد، توسط موسوی خویینی دادستان کل کشور و عضو مجمع در اختیار مطبوعات قرار گرفت.

بنا به توضیحات موسوی خویینی‌ها، در این نشست آئین‌نامه مجمع شامل، محل، تعداد و زمان تشکیل جلسات، چگونگی بررسی لوایحی که پس از تصویب مجلس در شورای نگهبان رد می‌شود، تعداد لازم برای رسمیت یافتن جلسات تصویب شد و خامنه‌ای رئیس‌جمهور به عنوان رئیس مجمع انتخاب گردید.

بر اساس آئین‌نامه تصویبی، تنها مصوبات مجمع در روزنامه دولتی منتشر خواهد شد و از انتشار مذاکرات درون مجمع جلوگیری به عمل خواهد آمد. مشروح مذاکرات ضبط شده و به عنوان اسناد محرمانه نگهداری خواهد شد.

مجمعین دبیرخانه‌ای زیر نظر خامنه‌ای به عنوان رئیس مجمع تشکیل می‌شود که جلسات آن با حضور ۹ نفر از اعضای رسیت خواهد داشت و تصمیمات با رای اکثریت حاضر، به تصویب خواهد رسید. بنابر آئین‌نامه مجمع، جلسات دبیرخانه در محل دفتر ریاست جمهوری برگزار خواهد شد. مطابق اظهارات دادستان کل رژیم، قوافیر و

در این زمینه هاشمی رفسنجانی در جلسه روز یکشنبه ۲۵ بهمن گفت: "آقایان توجه نمایند که از این به بعد چنانچه ما لوایح را فرستادیم به شورای نگهبان و شورای نگهبان آن را کافی ندانست این دیگر به مجلس برمی‌گردد مگر اینکه مسئله جزئی باشد که رئیس مجلس در شورای نگهبان تقاضا داشته باشند و این قابل رفع است و این می‌رود به مرجع تشخیص مصالح احکام حکومتی و آنجا تصمیم گرفته می‌شود. بنابراین اینطور نیست که برود و برگردد. ما این حالت را دیگر نخواهیم داشت."

موسوی خویینی‌ها در ادامه سخنان خود به توضیح جزئیات آئین‌نامه مجمع پرداخت اما به علت محرمانه بودن مذاکرات و ضبط سخنان اعضای مجمع اشاره‌ای نکرد.

"مجمع تشخیص مصلحت نظامی اسلامی" روز شنبه ۱۷ بهمن به دستور خمینی و در پی درخواست موسوی اردبیلی، خامنه‌ای، احمد خمینی، میرحسین موسوی و هاشمی رفسنجانی تشکیل شد. علاوه بر نامبردگان، تسلی مسئول دفتر خمینی و ۶ تن از فقهای عضو شورای نگهبان، عضو این مجمع هستند.

بنابر گزارش‌های دولتی سیزده تن در ماه گذشته اعدام شده‌اند

حاکی است که در جریان انفجار یک بمب در تهران که داخل اتومبیلی جاسازی شده بود، ده تن زخمی شدند. براساس گزارش همین منبع، طی دوماه گذشته ۷ تن در تهران و شهرستان‌ها اعدام شده‌اند. مجازات‌آقان جاسوسی برای عراق بوده است. این گزارش از سوی خبرگزاری جمهوری اسلامی تأیید شده است.

شورای عالی قضایی حکم قصاص ۸ تن را نیز که از سوی دادگاه‌های رژیم اسلامی محکوم شده‌اند، تنفیذ کرده است.

بنابر نوشته روزنامه کیهان، هفته گذشته ۶ تن در شهرستان خاش در ملاماع اعدام شدند. حکم اعدام این عده از سوی دادگاه انقلاب ژامدان صادر شده بود. در گزارش کیهان گفته شده است این عده به جرایم مختلف از جمله اشداد جاده‌ها به صورت مسلحانه، به آتش کشیدن وسایل راهسازی جهادسازی و دیگر وسایل دولتی، جاسوسی برای عراق، همکاری با یکی از گروه‌های سیاسی اعدام گردیدند.

گزارش دیگری به نقل از خبرگزاری رویتر

چرخ کارخانجات خوزستان از کار می ایستد

کارگر تقریباً تعطیل شده است. کارخانه قند، ذوقول و بسیاری از کارخانجات دیگر مانند کارخانه نورد و لوله سازی اموایم وضعیت مشابهی دارند.

جرم کرد بودن

چندی پیش در چهار راه شیمی شهر اموایم جوانی به دستفروشی مشغول بود. ماموران کمیته وقتی شیدند وی لجه کردی دارد به او حمله کردند و بساطش را بیه ریختند. این حادثه موجب خشم مردم در محل شد. پیرمردی از جوان پرسید چه کار کرده ای؟ جرم چیست؟ او گفت اولین جرم من کرد بودن است. دومین جرم اینست که جاتی فیستم. می خواهم کار کنم و شکم خاواده ام را سیر کنم. ماموران که از این گفته ها خشمگین شده بودند مجدداً به او حمله ور شدند و به وی اجازه صحبت ندادند. مردم به این برخورد اعتراض کردند و به جانبداری از جوان کرد پرداختند. کمیته چی ها بر اثر اعتراض مردم دست از سر او برداشتند.

* بر اثر بحران اقتصادی و بهمان های متعدد مناطق مختلف خوزستان، بسیاری از کارخانجات این استان تعطیل شده اند. کارخانه کافت سازی پارس هفت تپه که ۷۵ درصد تولید داخلی را تامین می کرد، در حال حاضر هیچگونه تولیدی ندارد و چون ماشین های آن قدیمی است، قادر به تهیه لوازم یدکی آن نیستند. هم اکنون کارگران این کارخانه را بصورت ۷۰ درصدی گروه بندی کرده اند. بدین معنا که ۷۰ درصد کارگران رابه خانه ها خود فرستاده اند و ۲۰ درصد بقیه هم که ظاهراً مشغولند، درواقع به نقافت کارخانه مشغولند، و ۷۰ درصد حقوق خود را دریافت می کنند.

* طرح نیشکر که دارای نزدیک به ۷۰۰۰ کارگر است تا سه ماه پیش در نتیجه بهمان های هوایی هیچ تولیدی نداشت، تاؤکی ها یکی از آسیاب های آبرایکار گرفته اند. به خاطر جلوگیری از فساد شدن نیشکر بروی زمین است، نیشکر را در می کنند و سپس به دور می ریزند. ویرا کارخانه قادر به استفاده از این نیشکر نیست.

* کشت و صنعت کارون - خوشتر با حدود ۷۰۰۰

سپاه کاری

در سازه نظامی که حدود ۲۲ سال داشت در برابر یکی از تاروهای مسافری به و اتش زنی اشغال داشت. او کفش های قهوه ای یک مشتری را واکس می زد. پس از اتمام کار مشتری به وی اعتراض کرد و گفت واکس تیره بود. کفش هایم را سیاه کردی. واکس یاغ داد جمهوری اسلامی ۴۵ میلیون نفر را سیاه کرد. هیچکس اعتراض نمی کند. حالا یک جفت کفش سیاه شد اعتراض می کنید! یکی از عمال رژیم در آن حوالی که این گفت و شنود را شنید به فحاشی علیه واکس برداشت و گفت دیگر نباید در

اینجا کار کنی! عده ای از مردم دور آنها حلقه زدند و چوبی ماجرا شدند. واکس گفت این برادر می گوید بر اوقتی جمهوری اسلامی همه مردم را سیاه می کنند تو فقط یک جفت کفش را سیاه کرده ای. و به همین علت مانع کسب و کار من شده است. من کارگر آخر اچی شرکت کابل سازی ساره هتم. مدتی پیش اخراج شده ام. بناچار برای گذران زندگی به واکس زدن روی آورده ام. حالام توسط برادران حزب الهی اخراج می شوم!

در استان بوشهر عده ای در جریان سیل کشته شدند

شهرستان گناوه شدت جریان آب علاوه بر ایجاد خسارات سنگین مالی، چندین کشته بر جای گذاشت. در گزارش های دولتی تعداد کشته شدگان ذکر شده است.

در تهران به علت بارش برف سنگین مدارس تعطیل شدند و علیرغم تعطیلی مدارس در خیابانها طول صف های مسافری چشم افشار اتوبوس از فیم کیلومتر بیشتر بود.

بارندگیهای شدید هفته گذشته در استانهای شرقی، جنوبی و مرکزی کشور به جاری شدن سیل در این مناطق و از جمله فیشاپور و استان بوشهر منجر شد. در شهر فیشاپور چند صد واحد مسکونی آسیب دید و دهها راس از احشام روستائیان تلف شدند.

در مناطق جنوبی کشور نیز ارتباط گناوه و براؤجان قطعه شد و بیش از ده روستای این منطقه در محاصره سیل قرار گرفت. در روستای عباسی از توابع



مردم و خانواده های زندانیان سیاسی

زندانیان سیاسی در دل مردم جای دارند. دیر نخواهد بود که شعار آزادی زندانی سیاسی بار دیگر شعار طنین افکن در کوچه و خیابان گردد. تلقی مردم از زندانیان سیاسی در برخورد آنها با خانواده های زندانیان سیاسی نیز بازتاب دارد برخوردی، توأم با همدردی و ادای احترام. نمونه های زیر گویای این واقعیتند.

- همسر یکی فدایی خلق که زندانی است. برای گرفتن فتوکپی از نامه همسرش به یک عکاسی مراجعه کرد. وقتی عکاس عنوان نامه را که از زندان اوین ارسال شده بود خواند، مراتب همدردی و احترام خود را ابراز نمود. پس از آن وی برای خریدن یک نوع صابون طبی کمیاب برای رفیق زندانی که از بیماری پوستی رنج می برد به داروخانه ای مراجعه کرد. در داروخانه نیز علت خریدن چنین صابونی را عنوان کرد. کارکنان داروخانه ضمن برخورد جانبدارانه، صابون مورد نیاز را به وضاحت تهیه کرده و بوی دادند.

- همسر یک زندانی سیاسی جهت ثبت نام کودکش به یک مهد کودک مراجعه کرد. وی ابتدا جواب منفی شنید. اما بعد از آنکه گفت همسرش زندانی سیاسی است و خود نیز شاغل است، فرزندش را با روی باز پذیرفتند.

- همکاران همسر یک فدایی در پند که هرازگاهی به ملاقات همسرش می رفت، کارت وی را تاریخ می زدند تا غیبت نخورد.

- یک راننده تاکسی که خانواده یکی از زندانیان سیاسی را جهت ملاقات به زندان می برد، ضمن ابراز احترام فراوان آنها را به محل رسانید و اصرار کرد که تا زمان بازگشت از ملاقات در انتظارشان بماند.

- پیرمردی در یکی اوصاف های اوراق عمومی، از تحصن خانواده های زندانیان سیاسی در تهران سخن می گفت. از عنوان می کرد که هر زن و مرد با غیرتی حتی اگر خودش زندانی سیاسی نداشته باشد باید از تحصن خانواده های زندانیان سیاسی استقبال کرده و با آنها اعلام همبستگی کند.

پای صحبت چند کارگر

کارگری می گفت شاواده ام سه ماه است که گوشت نخورده اند. اما جمهوری اسلامی امروز مرا مجبور کرد که صد تومان به اسرائیل کمک کنم. چون این پول ها صرف خرید اسلحه و مواد شیمیایی از اسرائیل می شود تا با آن در جبهه آدمها کشته شوند. پس در واقع من به اسرائیل کمک کرده ام.

کارگر دیگری در همین رابطه به طغی می گفت ساله ای نیست، پولی که از بابت سمیه فقط به خانواده ما می دهند آنقدر زیاد است که صد تومان در مقابل آن ارزش ندارد. ما گوشت اضافی را از یخچال مایمان بیرون می ریزیم!

یک راننده جرثقیل اظهار می کرد من از این جرثقیل و بیاد کارشی گشم تا فرسوده نشود چون در حال های آتیغه می خواهم توسط همین جرثقیل چند آخوند رابه سزای اعمالشان برسانم.

بقیه از صفحه اول

بهای نفت بکوفه ای سریع و شدید بود که تمامی پایه ها و محورهای اقتصادی کشور را به لرزش انداخت. بهای هر بشکه نفت به زیر ۱۰ دلار رسید و درآمد رژیم از بابت فروش هر بشکه نفت، بعثت تقبیل هزینه های، کفاف بیمه و... از آفهم کمتر شد. حملات هوایی عراق به تأسیسات نفتی و مبادی صادراتی نفت کشور، بدانجا منجر گردید که توان صادراتی نفت جمهوری اسلامی تا به نصف ظرفیت مجاز - از سوی اوپک - تنزل یافت و در بهترین حالت، هرگز به حد سهمیه مجاز نرسید. از سوی دیگر نرخ برابری دلار نیز در برابر ارزهای قوی، جهان کاهش یافت و این نیز در کاهش هرچه بیشتر درآمد ارزی، رژیم موثر افتاد. چنین شد که درآمد ارزی کشور در سال جاری و دو سال قبل در مقام مقایسه با درآمد ارزی، متکثف سال ۶۲ - ۶۱ به پیروی حدود یک چهارم کاهش یافت.

ستون درآمدهای بودجه کشور شامل درآمدهای حاصل از صدور و فروش نفت، درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهاست. کاهش درآمد نفت که تنها درآمدهای ارزی، بلکه درآمدهای ریالی دولت را نیز به شدت کاهش داد و تأثیر، مستقیم بر کاهش درآمدهای مالیاتی نهاد، چرا که بنا به اعتراف خود مسئولین رژیم ۹۰ درصد درآمدهای دولت، وابسته به درآمدهای ناشی از صدور نفت است. رژیم که با کسر بودجه متکثف مواجه گردید با روی آوردن به سیاست جدید مالیاتی کوشید، تا با سرنگ کردن بحران اقتصادی به مردم، کسری بودجه خود را تخفیف بدهد. کاهش عرصه های، معمول مالیات گیری، باعث آن گردید که به عرصه های دیگر توجه ویژه ای شود. و این عرصه ها، تماماً بردوش مردم سنگینی می کرد و صاحبان سرمایه ها، کلان باسودهای افسانه ای خود، از "غضب" حکام کماکان درامان ماندند.

محمدچواد ابیروانی، وزیر اقتصاد و دارایی رژیم، با وضوح تمام علت واقعی توجه رژیم به سیاست جدید مالیاتی را چنین اعتراف می کند، "با بررسی هایی که از وزارت امور اقتصاد و دارایی بعمل آمد، ظرفیت مالیاتی کشور را ما محاسبه کردیم و میزان ظرفیت مالیاتی کشور در سالهای ۵۹ تا سال ۶۶ محاسبه شده و در سال ۶۶ حدود ۲۲۰۰ میلیارد ریال می باشد. از طرف دیگر وضعیت ساختار درآمدی دولت که درآمدهای دولت ناشی از درآمدهای مالیاتی و درآمدهای حاصل از نفت و سایر

نگاهی به چند و چون لایحه مالیاتها

نزدیک به ۷ برابر میزان مالیاتها در سال ۵۹ رسیده است. همانگونه که از جدول شماره یک نیز برمی آید، میزان مالیاتهای غیرمستقیم از سال ۶۱ به این سو، همواره از مالیات های مستقیم بیشتر بوده است و این خود نمادی از "عدالت واقعی مالیات اسلامی" است.

سیاست مالیاتی و

درآمد مالیاتی

لایحه جدید مالیاتی، با توجه به مالیاتهای مستقیم، در ظاهر برابر جامعه عمل پوشانیدن بر همان عدالت مالیاتی کلاسی و در واقع برای تخفیف کسر بودجه متکثف دولت مورد بررسی و رسیدگی در مجلس شورای اسلامی است. رژیم متوجه شده است که برای تأمین هزینه های متکثف نظامی و اشتقاقی خود، برای تأمین هزینه های متکثف دستگاه طویل و عریض اداری، باید میزان اخذ مالیات را بازم افزایش داده و در عرصه مالیاتهای مستقیم نیز، فعال شود. مالیات پردرآمد، مالیات بر دارایی ها، مالیات بر ارزش افزوده بخشهای مختلف اقتصاد، مالیات برارث، مالیات بر زمینهای بایر و شاقه های خالی و... از جمله دهمای موادی است که در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است. کارکرد

درآمدهاست و با عنایت به تسولاتی که در قیمت نفت و ارزش دلار بوجود آمده، تغییر در ساختار مالیاتی کشور را طلب می کند. زیرا اما در حال حاضر مشاهده می کنیم که میزان کسر بودجه سال به سال رو به افزایش است. (رساله ۲ بهمن)

بدینگونه روشن می شود که علت واقعی روی آوردن حکومت به ساختار جدید مالیاتی، در گردوخاک تباغیغاتی پیرامون "عدالت مالیاتی"، مانا کسر درآمد متکثف دولت است.

سیاست مالیاتی رژیم

به زبان آمار

همانگونه که ذکر شد، "سیاست مالیاتی"، "ساختار مالیاتی" و "عدالت مالیاتی"، رژیم بستگی تام به وضع درآمدی آن دارد و "عدالت مالیاتی" رژیم در واقع محصول بحران حاد اقتصادی است. در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است که میزان مالیات گیری رژیم از سال ۶۰ همواره در حال افزایش بوده و در سال ۶۲ بیش از ۲ برابر سال ۵۹ شده است. در سال ۶۴ میزان مالیاتها به رقم بی سابقه ۱۱۳۰ میلیارد ریال رسید و میزان مالیاتها در سال ۶۶ به ۲۲۰۰ میلیارد ریال بالغ شد. براین اساس میزان مالیاتها در سال ۶۶ به رقمی

جدول شماره ۱ - میزان مالیات

دریافتی سالهای ۶۶ - ۵۷ (واحد میلیارد ریال)

سال	مالیاتهای مستقیم	مالیاتهای غیرمستقیم	مجموع مالیاتها
۵۷	۲۷۰	۲۰۰	۴۷۰
۵۸	۲۲۰	۱۴۰	۳۷۰
۵۹	۱۳۰	۲۱۰	۳۴۰
۶۰	۳۲۰	۲۳۰	۴۵۰
۶۱	۲۹۰	۳۳۰	۶۱۰
۶۲	۳۲۷	۴۶۰	۷۹۷
۶۳	-	-	۸۷۳
۶۴	۵۱۷	۶۱۳	۱۱۳۰
۶۵	-	-	۲۳۰۰

رژیم در عرصه اخذ مالیاتها تاکنون چون گواه بی بدیلی ثابت می کند که حتی همین موادسیاست جدید مالیاتی، پیش از آنکه صاحبان درآمدهای کلان را تهدید کند، متوجه توده های - زمینکش و اشرارمیشی جامعه است. چه صاحبان سودهای افسانه ای هم خود با قدرت حکومتی در آمیخته اند و هم "راه" گریز از پرداخت مالیاتها را در اختیار دارند. از سوی دیگر افزایش مالیات صاحبان مشاغل و در حالت عمومی تجار و تولیدکنندگان اصلی، به خود، خود باعث آن می گردد که اینان مالیات پرداختی را بر بهای کالاها بیافزایند و بدین ترتیب باز این مصرف کنندگان خواهند بود که مالیات مستقیم را به شکل مالیات غیرمستقیم پرداخت خواهند کرد.

صاحبان سرمایه های کلان، حتی به اعتراف خود مسئولین و دست اندکاران رژیم، همواره از پرداخت مالیات سرباز زده اند. کیهان ۱۲ بهمن در گزارشی پیرامون

جدول شماره ۲

مقایسه مالیاتهای دریافتی با نقدینگی بخش خصوصی (۵۸ - ۶۶)

(واحد میلیارد ریال)

سال	میزان مالیاتها	نقدینگی بخش خصوصی
۵۸	۲۷۰	۳۵۵۰
۶۰	۴۵۰	۵۱۱۱
۶۲	۷۹۷	۷۵۱۴
۶۴	۱۱۳۰	۹۰۰۳
۶۵	-	۱۰۳۲۹
۶۶	۲۳۰۰	۱۱۰۰۰

لایحه جدید مالیاتها، فاش ساخت که سیاست اخذ ۱۰۰ میلیارد ریال مالیات از صاحبان درآمدهای کلان در سال ۶۴، اجرا نشد و در سال ۶۲ از ۱۵۰ میلیارد ریال مالیات پیش بینی شده در مورد صاحبان درآمدهای کلان، تنها ۲۵ میلیارد ریال وصول گردید. این درحالی است که بفاصله اعتراف خود رژیم از جمله کارمندان آذربایجان قریب در سال ۶۲ بیش از ۶۲۰۰ میلیارد ریال مالیات پرداخت کرده اند.

بفاصله آمار دولتی، در سال ۶۲ ارزش افزوده بخش خدمات نزدیک به سه برابر بخش صنایع، بیش از سه برابر ارزش افزوده بخش معادن کوه نفت و بیش از ۴ برابر بخش کشاورزی بوده است. همان آمار دولتی درباره میزان اخذ مالیات از بقیه در صفحه ۱۰

بمناسبت سالگرد کشتار وحشیانه رهبران خلق ترکمن آی توماج، خونت شراره...

بقیه از صفحه آخر

من توماج، واحدی، مختوم و جرجانی رابکه ارم که چی؟" (شیخ صادق خلخال، به نقل از روزنامه "صبح آزادگان"، ۲۸ شهریور ۱۳۶۲)
این اعترافات، به عنوان سندی گویا در تاریخ ثبت شده است. دلک و جلال رژیم، که در سال ۵۸ می گفت: "گروههای مهاجم" به مؤدوران سپاه، رهبران خلق ترکمن را از چنگ پاسداران ربوده اند، پس از پنج سال رسا و علنا به جنایات خود اعتراف کرد و به کوفه ای سفیانه، نام هندستان خود را فیز لوداد.

کشتار وحشیانه رفقای فدایی، شهید محمد درخشنده توماج، طواق محمد واحدی، حسین جرجانی و عبدالحکیم مختوم، مسئولان ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا، نقطه اوج جنایات حکومت آخوندی علیه خلق ترکمن بود. لشکرکشی رژیم به کفبد بدشمال یورش به کردستان، بار دیگر نشان داد که حکومت غاصب دستاوردهای بهمن ۵۷ سرسازگاری، با خواسته های برحق خلقهای ستمدیده ایران ندارد و هر جا لازم باشد، در مقابل باجفیش مردم، شمشیر را از روی عبا می بخشد.
چهار فدایی شهید، در سازماندهی و رهبری مبارزات درخشان

خلق ترکمن پس از انقلاب بهمن، نقش تعیین کننده ای داشتند. رفیق توماج، از زندانیان سیاسی زمان شاه، با اوج گیری جنبش توده ای به پیروی شوراهای دفاعی ترکمن صحرا همت گماشت. "ایل گویچی" نشریه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن، در توصیف فعالیت آن زمان توماج می نویسد: "فیروزی چندی برابر گذشته شده بود، استعدادها پیش گویی یکباره، شکوفان شده بود. وقتی می نشست تا برای کار شوراها تصمیم بگیرد، دقیق ترین پیشنهادها را می داد. خواب و خوراک را خیلی وقت ها با فروشی کارها از یاد می برد... وقتی در خانه آن زمیندار ترکمن فشته بودیم، با اشاره به قالی ها و اقپوه و سایل خاخاش می گفت: "سالهای سال از دسترنج این مردم خورده ای و چاق شده ای. حالا باید حساب پس بدهی و در درجه اول، زمینهای را که به ناحق از آنها گرفته ای." آن که در مقابلش نشسته بود، از ترس آنکه به این چشم ها نگاه کند، سرش را به زیر انداخته بود، و مرتب می گفت: "درست است، درست است" (ایل گویچی، شماره ۴، زمستان ۶۴)
رفیق حکیم مختوم در خانواده

و حجتی در کفبد متولد شد. از کودکی با فقر و محرومیت دست به گریبان بود. پس از گرفتن دیپلم متوسطه و سیری کردن دوره ربای در سپاه دانش، به عنوان معلم دریکی از روستاهای شرق کفبد مشغول به کار شد. و با روستائیان زحمتکش رابطه بسیار نزدیکی برقرار کرد. مردم با او در دل می کردند. شعله ای که در دل حکیم بود، با دیدن مصیبت های و فدی روستائیان، بیشتر کر گرفت و فروزان تر شد. با اوج گیری انقلاب، حکیم در کنار توماج در ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا مسئولیت های مهمی بر عهده گرفت و تا لحظه شهادت، دوشادوش یارانش در همین سنگر رزمید.

رفیق حسین جرجانی در سال ۱۳۲۰ در روستای محروم تاتار علیا متولد شد. وی تحصیلات ابتدایی خود را در تاتار علیا و قوری چای در شیراز، سخت معیشتی به پایان رساند و پس از اتمام دوره متوسطه در کفبد و تهران، در سال ۱۳۵۶ از انستیتو کشاورزی مدان فارغ التحصیل شد. وی در سال ۱۳۵۷ در مصداقه زمینهای بزرگ مالکان و اموال آنان نقش فعالی ایفا کرد، در تشکیل کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراهای فعاله شرکت ورزید و در جهت برپایی و رهبری شوراهای و اتحادیه های روستایی ترکمن صحرا تلاش خستگی ناپذیری از خود نشان داد.
سیمای شریف و محبوب طواق



محمد واحدی هنوز با همه خط و طش در ذهن یاران او و مردم ترکمن صحرانشسته است. مطلق قوی و آوازه منشی او، طواق رابطه میلقی توانا و چهره ای محبوب دهقانان ترکمن تبدیل کرده بود. خبر اعدام طواق فیروز همچون خبر شهادت یاران دیگرش آتش به جان مردمی افکند که پس از دهها سال ظلم و خودسری حکومت ها و ملاکین، برای مدت کوتاهی سرفروش خود را بدست خویش گرفتند و تجربه ای گرانقدر از حکومت شورایی را آموخته و یاد داشتند.

دژخیان، قهرمانان خلق ترکمن، فدائیان خلق، توماج، مختوم، جرجانی و واحدی را به خاک افکندند. اما خون این دلیران، شراره ای است که به رو افتقام، هستی ستمگران را به خاکستر تبدیل خواهد کرد و راه خلق ترکمن را به سوی آینده ای بهتر، شکوفایی خواهد بخشید.

از زخم قلب "آبانی" احمد شاملو

دختران دشت!

دختران انتظار!

دختران امید تنگ!

دردش بی کوان،

و آرزوهای بیکران

در خلق های تنگ!

دختران خیال آلاچق نو

در آلاچق هائی که صدسال!

از زره جامه نان اگر بشکوفید

باد دیوانه

یال بلند اسب تما را

آشفته کرد خواهد...

دختران رود گل آلود!

دختران هزار ستون شعله، به طاق بلند دود!

دختران عشق های دور

روزی سکوت و کار

شب های خستگی!

دختران روز

بی خستگی دوبدن،

شب

سر شکستگی!

درباغ راز و خلوت مرد کدام عشق!

در رقص راهبان شکرانه کدام

آتش زدای کام

بازوان فواره های نان را

خواهید بر فراشت؟

افسوس!

موها، نگاهها

به عبث

عطر لغات شاعر را تارک می کنند.

دختران رفت و آمد

دردش مه زده!

دختران شرم

نهنم

افتادگی

رما!

از زخم قلب آبانی

دربسته کدام شما خون چکیده است؟

پستانان، کدام شما

گل داده در بهار بلوغش؟

لب های تان کدام شما

لب های تان کدام

بگوئید!

در کام اوشکنه، نهان، عطر بوسه می؟

دربستر خشونت نومی

دربستر نشورده دلنگی

دربستر تنگر پرورد رازتان،

تا یاد آن - که خشم و جسارت بود -

بدرخشان

تا دیرگاه شعله آتش را

در چشم بازتان؟

□

بین شما کدام

بگوئید!

بین شما کدام

صیقل می دهید.

سلاح آبانی را

برای

روزی

انتقام؟

ترکمن صحرا - اربهی غلی

آموزش لنین

درباره انتقاد، انتقاد از خود و علنیت

نوشته: لئونید ایپوتین

برگرفته از: هفته نامه "عصر جدید" شماره ۵ سال ۱۹۸۸

چه امکانات وسیعی را برای
تشکیلات، فراهم می‌کند.

اصل دوم، انتقاد از خود مداوم
است. انتقاد از خود دارای دو وجه
است: یک وجه آن انتقاد از خود یک
شخص معین در رابطه با خطاها
و اشتباهاتی است که خود وی مرتکب
گردیده و وجه دیگر انتقاد از خود
یک سازمان، یک نهاد اجتماعی و یا کل
جامعه است. لنین مصر بود که هر دو
وجه انتقاد از خود در حزب و در
حکومت، اعمال شود.

اودر مورد وجه اول نوشته
است: "ضروری است که حزب همواره
"حکمت" این یا آن رهبر را، حتی اگر
جزئی هم باشد، متوجه گردد. سیر عمل
هیچ رهبر سیاسی بدون این یا آن شکست
نیست و اگر ما در این سخن جدی باشیم
که می‌خواهیم در میان توده‌ها
نفوذ کنیم و "حسن نیت" آلمان را به
سخت خود جلب کنیم، باید باتمام قوا
در این زمینه بکوشیم که این شکست‌ها را
لاپوشانی نکنیم... و به قضاوت
همگان بگذاریم. این ممکن است در
وهله نخست به نظر دردآور آید، ممکن
است "آزاردگی" این یا آن رهبر سیاسی
جلوه کند، اما ما باید بر این احساس
خطای دردآوری غلبه کنیم: این وتلیفه
ما در قبال حزب و طبقه کارگر است."

به همینسان انتقاد از خود
تشکیلات حزبی و پذیرش شجاعانه و
علنی خطاها از سوی آن، امری مهم است. لنین در سال ۱۹۱۲
نامهای به پرودا نوشت و در آن
خواست فکر خطایی را که یک مقاله
ا بر آن داشته بوده، تصحیح شده و موضوع
در نشریه چاپ گردد. اودر این رابطه
نوشت: "خطایی که تصحیح شود، دیگر
خطا نیست. اما خطایی که تصحیح
نشود، یک جراحت بدخیم است. در
این حالت باید از این شجاعت

برخوردار بود که زخم را به جراحی
کرد." لنین بعداً نیز در سال ۱۹۱۷،
در تحلیل وضعیت آن هنگام، در مقاله‌ای
با عنوان "آزاداداشتهای روزانه
یک روزنامه‌نگار" نوشت: "خطای
حزب ما آشکار است. یک حزب
رزمنده... نباید از اشتباهات بترسد.
آنچه که او آن باید ترمیم پافشاری
بر روی اشتباهات و بر مبنای یک
احساس غلط شرم، خودداری از پذیرش
و تصحیح خطاهاست." این سخن بدان
معنی است که هر چه شرایط حادثتر
و پیچیده‌تر باشد، یک خطا به بهای
بیشتری تمام می‌شود و برای اعتراف
بدان و تصحیح آن، شجاعت بیشتری
ضرورت می‌یابد.

لنین به امور حزبی و دولتی را فرموله
کرد.

اصل نخست آزادی انتقاد
است. به گفته لنین "وحدت عمل،
آزادی بحث و انتقاد، تنها چنین
دسیپلینی شایسته حزب دموکراتیک
طبقه پیرو است." تنها دموکراسی
می‌تواند یکانگی دیالکتیکی "وحدت
عمل" و "آزادی بحث و انتقاد" را
برقرار کند. لنین به شدت مخالف هم
الاعت کورکورانه و هم آفاشی
جسات بی پایان بود و بر دموکراسی
تشکیلاتی پای می‌فشرد. "تشکیلاتی
که فاقد محتوای ایدئولوژیک باشد،
توغالی است... از اینرو پرولتاریا
وحدت عمل را جدا از آزادی بحث و
انتقاد نمی‌داند." لنین این نکته را در
سال ۱۹۰۶ خاطر نشان ساخت و مسلماً
بی معنی خواهد بود اگر کمان کنیم این
سخن برای ۸۰ سال بعد موضوعیت نمود
را از دست داده است. چه در آن
هنگام وجه پس از آن دسیپلین
و انتقام در انجام تصمیمات پذیرفته
شده، آن زمان معنی و مفهوم می‌یافتند
که بر روی تصمیمات، به اندازه کافی
اندیشیده شده و بطور انتقادی بحث
شده، و به عبارت دیگر این تصمیمات
به صورت دموکراتیک اتخاذ
شده بودند. در غیر این صورت،
به گفته لنین، کسانی که دسیپلین را
رعایت می‌کردند، به دنبال روی‌های
صرف آفاشی تبدیل می‌شدند که در
راس قدرت بودند.

"آزادی بحث و انتقاد" برای
بیشرفت امر وین ما از یک اهمیت
اساسی برخوردار است. تجربه به ما
آمورخته است، عدم توجه به این اصل
چه پیامدهای فاکوار، تباهی آور و
فساد برانگیزی می‌تواند برای جامعه
داشته باشد. "تشکیلات بدون محتوای
ایدئولوژیک" به تدریج به هر ج
و مرج و بی سازمانی تبدیل می‌شود و
دسیپلینی که بر پایه مضمون
ایدئولوژیک فبانت افراد را
به عناصری ظاهر ساز و فرمالیست‌هایی
بی تفاوت تبدیل می‌کند. و به همینسان
به تجربه آموخته‌ایم که سازمانیابی
آگاهانه و بحث فعال و دموکراتیک بر
روی هدفها و راههای پیشروی،

فتح کرده بود. "نب" را خیانت
به انقلاب نیز نام نهادند. اما لنین
آن هنگام خاطر نشان ساخت که
وضعیت سیاسی و اقتصادی، ضرورت
چنین اقدامی را ایجاب کرده است.
لنین خود بر این نکته واقف بود که
کلیساکهای مارکسیسم در زمینه امکان
برقراری سرمایه‌داری دولتی در
شرایطی که قدرت سیاسی در چنگ
پرولتاریاست، سخنی ن گفته‌اند، چرا
که کارشان پیشگویی کردن نبوده
است. از همینجا می‌آموزیم که چگونه
می‌بایست در شرایط مشخص با در نظر
گرفتن الزامات لحظه، خود باید
رشته ابتکار را به دست گرفته و به موقع
عمل کنیم. در چنین هنگامی، انتقاد و
انتقاد از خود اشتی بایدیر، مهمترین
ابزار کارما در دستیابی به هدف
است. "اگر این گزار (گزار به نسب)
موجب شکایت، زاری و ماتم، یاس
و رنجش خاطر برخی کسان می‌شود، ما
باید بدانان بگوییم: شکست به
اندازه کردن نهادن به شکست و هراس
او درس‌گیری از آن، خطرناک
نیست... قدرت ما در این است و در
این خواهد بود که تاخیرترین شکست‌ها
را به خوشتردافه‌ترین وجه مورد
ارزیابی قرار دهیم و از تجربه
آنها به‌اموژیم که در فعالیت خود چه
چیزی را باید تغییر دهیم.
از اینروست که باید آشکار و آزاد،
سخن بگوییم" این، کلام لنین است.

این‌موضوع اصولی - ضرورت
پذیرش علنی و به موقع خطاها و به
همینسان اهمیت بحث انتقادی حول هر
اقدام و درس‌گیری از مجموعه
تجربیات به دست آمده - به‌ناگهان
در سال ۱۹۲۱ فرموله نشد. مبارزه
حزب انقلابی پرولتاریای روس، که
به توجیه لنین بغیان گذاشته شده بود،
از آغاز بر این مبنا بود. این اصول،
اصول سازماندهی حزبی بودند که
اکثون از سوی لنین در سازماندهی
دولت سوسیالیستی معمول می‌شدند.

لنین یک اثر ویژه‌تئوریک در
زمینه انتقاد، به رشته تحریر
درقیارود. اما او در آثار متعددی به
این موضوع پرداخته است که بر مبنای
آنها می‌توان اصول برخورد انتقادی

با تاریخ، به گونه‌های مختلفی
می‌توان به‌سختی گفتن نشست. یک شکل
این است: در اتاق مطالعه‌مان
می‌نشینیم، در میان کتابها سیر تاریخ
را بی‌می‌گیریم و رشته نامرئی پیوند
میان رخدادهای مختلف اجتماعی،
فرهنگی و سیاسی را جستجو می‌کنیم.
این گونه کاوش ذهنی تاریخ، این شکل
مشاهده از دور، مختص تاریخ‌نگاران
است. سیاستمداران به تاریخ
نزدیک‌ترند. آنها درمی‌نگرند
که چگونه واقعیتهای شومین
سر بر می‌آورند. آنها نورا، در میان
زنجیره رنگارنگ حوادث باز
می‌شغافند. رابطه سیاستمداران
با تاریخ، رابطه‌ایست تنگاتنگ. و
در این میان هیچ‌کس همچون لنین،
که از توانایی بازشناسی تکامل
روندتاریخ در دل ساده‌ترین نمودهای
زندگی برخوردار بود، نتواند در اغوش
تاریخ نقشه و در چهره‌وی نگریسته
است. برخورد انتقادی او به تاریخ،
شادی است بر این رابطه تنگاتنگ.

هنوز ضرورت و مفیدیت
انتقاد، آنکوفه که شایسته و
بایسته است، حتی امروز نیز
بر همگان آشکار نشده. اگر به یاد آوریم
جامعه آینده چگونه بی‌هیچ برخورد
انتقادی در آثار سوسیالیستهای تخیلی
سعدت‌مند جلوه گر می‌شد، اگر به یاد
آوریم که چه امیدهایی به هماهنگی نظر
و عمل و حتمتشان در مبارزه برای
سوسیالیسم بسته می‌شد، آنگاه
درخواهیم یافت که موضوع انتقاد،
که دولت جوان شوروی در زمان خود
 مطرح کرد، از چه خلصیت تازه‌ای
برخوردار بود.

عمل، خاستگاه طرح این مساله
بود. حزب، در سال ۱۹۲۱ آن هنگام
که جنگ داخلی پایان یافته
و بیروزی انقلاب در سرتاسر کشور
واقعیتی بی چون و چرا بود - گذار
به دوره سیاست شومین اقتصادی (نب)
را اعلام کرد. این اقدام دشوار،
مبتنی بر تصمیمی شجاعانه و بی سابقه
بود. سه قطعه بختی از حتمتشان، بلکه
حتی عده‌ای از شخصیت‌های نام‌آور
حزب نیز گزاره "نب" را عقب نشینی
از مواضعی می‌پنداشتند که انقلاب

تاریخ نویسی به سبک آخوندی

یکی از قلم به دستان رژیم در روزنامه دولتی کیهان طی سلسله مقالاتی به درج تاریخچه جنبش دانشجویی ایران پرداخته است. این نوشته نیز همچون دیگر تاریخ فکاریهایی که در جمهوری اسلامی صورت میگیرد سراسر کذب و تحریف آشکار واقعیت است. نویسنده در این تاریخچه کوشیده است در تصویر سیر عمومی جنبش دانشجویی و مبارزات درخشان آن علیه رژیم شاه هرچه بیشتر مبارزات نیروهای چپ و نقش رهبری آنان را مسکوت گذارده بر حضور و نقش افراد و نیروهای مذهبی و قشری تأکید ورزد. در آن مواردی که پیشبرد این امر با صراحت امکانپذیر نبوده است، تلاش شده است که بطور غیرمستقیم اهداف "تاریخ نگار" برآورده شود، بطور

نمونه زمانی که تاریخ نگار رژیم ولایت فقیه میخواند مبارزات دانشجویی پس از کودتای ۲۸ مرداد و واقعه ۱۶ آذر سال ۲۲ را بازتاب دهد این امر را از زبان چمران، همان فردی که مردم او را جلد تزلزل زعفر و جلد خلق کرد می نامیدند بازگویی کند و ناگهان دانشجویان شهید واقعه دانشگاه از دوستان چمران از آب درمی آیند. در تاریخچه مزبور مندرج در کیهان ۱۰ بهمن آمده است،

"مقاومت گسترده دانشگاه پس از کودتای ۲۸ مرداد رژیم را برآن داشت تا به نیت سرکوب نیروهای دانشجویی فاجعه ۱۶ آذر را طرحریزی کند. صبح روز ۱۶ آذر پس از تعویض کلیه سرپازان حاضر در دانشگاه و ورود نظامیان جدید که اغلب از لشکر کرمانشاه بودند، دانشکده های

پزشکی، داروسازی، حقوق و علوم مورد حمله قرار گرفتند و تعداد زیادی از دانشجویان و اساتید دستگیر شدند، مابقی چریان را از قول شهید چمران قتل می کنیم،

... صدای رگبار مسلسل در گوشه تلفین می اندازد. سکوت موحش بعد از رگبار بدنام را می لرزاند. ... دانشجویان بی انداز آرام و هوشیار بودند که به هیچ بهانه ای بدست کودتاچیان حادثه ساز نشده اند. پس چرا و چگونه دانشگاه کلونله باران شد و بطور ۲ نفر از بهترین دوستان ما بزرگ شیا، قندچی و رضوی به شهادت رسیدند. ...

واقعه ۱۶ آذر از آشفتن افکار وسیعی برخوردار بود که سازمان جهانی دانشجویان (کوسک) این روز را بعنوان روز

جهانی دانشجویان اعلام و همه ساله دانشجویان را به برگزاری هرچه گسترده تر گرامی داشت خاطره شدای این روز دعوت کرد. (کیهان ۸ بهمن، شهادی ۱۶ آذر، روز دانشجو، مسطفی بزرگ نیا و مهدی شریعت رضوی، از دانشجویان توده ای و از اعضا کمیته مرکزی سازمان جوانان و دانشجویان دمکراتیک که در او ان کودتای سال ۲۲ بخش بزرگی از جوانان و دانشجویان مرفقی را در صفوف خود متشکل ساخته بود. - واحد قندچی دانشجوی، هوادار دکتر مصدق بودند.

اما در تاریخ نویسی بورژوازی - و با زمختی ویژه اگر از نوع آخوندی آن باشد - وقایع و روندها بسادگی تغییر می یابد. در تاریخچه مزبور پس از اینگونه ذکر رویدادها، اعتصابات و حرکات اعتراضی دانشجویان پس از کودتا و واقعه ۱۶ آذر از "حرکت های سیاسی دانشجویان مسلمان" معرفی می گردد.

اصل سوم لنین، تلفیق اشتقاق و کار عملی است. لنین در سال ۱۹۲۰ نوشت: "هر آن کسی که اشتقاق می کند، باید... از طریق شرکت بلا واسطه خود در کار حزبی و شوروی، ثابت کند که چگونه می بایست خطای حزب و یا این یا آن عضو حزب در عمل تصحیح شود." آنچه را که لنین در اینجا اینگونه به صورت قلعنامه ای بیان می دارد، حدود دودمه پیش از آن نیز در یک نامه دوستانه به و. آ. شکوف چنین بیان داشته بود: "شما یک با به من گفتید، ایسکرائیست ها را سرزنش کنید! و من پاسخ دادم: این کار را من نباید بکنم، این کار شامت چرا که فقط آن کسی از حق اشتقاق برخوردار است که عملاً در عرصه کار حضور دارد و همه جزئیات آن را می شناسد." لنین در همان زمان (در نامه ای خطاب به ف. و. لنگینک) نظر خود را در مورد "شکایتنامه نویسان" چنین ابراز داشت: "فعالین محلی تلاشی به خرج نداده اند تا جزوات خوب را تهیه کنند... و همکاری نویسندگان محلی را با ایسکرا سازمان دهند. بجا بر این به چه خاطر؟ خیلی ساده است که آدم شکوه و شکایت کند به جای این که عهده دار یک کار پر زحمت باشد! امروزه قلم خواننده، بدون حبیب حیا، خودش را ایسکرائیست می داند چرا که برای ایسکرا شکایتنامه نوشته است."

در اینجا منظور لنین این نیست که نباید به روزنامه ها شکایتنامه

نوشت. منظور لنین سه چیز است: نخست این که اشتقاق باید سازنده باشد (صرفاً مذمت نکن، راه نشان بده!)، ثانیاً باید تلاش کرد لطیف و سیرت، از فعالین محلی در امور حزبی شرکت داشته باشند، و ثالثاً باید درک مارکسیستی عمیقی از اشتقاق به مثابه یک فعالیت عملی برای دگرگوشازی مناسبات اجتماعی و اقتصادی موجود داشت.

شکل گیری بلشویسم به مثابه یک جنبش سیاسی، تا حد زیادی مستقیماً محصول این نحوه برخورد اصولی به امر اشتقاق بوده است. لنین، پس از انقلاب اکتر، نه فقط در رابطه با امور حزبی بلکه در زمینه فعالیت دولتی نیز، پیوسته بین اشتقاق و فعالیت عملی را به مثابه وظیفه ای توصیف کرد که از طریق آن می توان توده های هر چه وسیعتری از وحتمکشان را برای رهبری کردن دولت، جلب کرد.

لنن در نوامبر سال ۱۹۲۰ خطاب به کنفرانس حزب کمونیست روسیه (بلشویک) در مسکو گفت: "کار سازنده واقعی - این است کاربست اشتقاق که باید سازنده باشد."

و بالاخره می رسم به اصل چهارم: علنیت (گلافسوت) و دمورکراتیسم اشتقاق. هر اشتقاراستین و هر دمورکراسی راستین، باید از چنین خصایلی برخوردار باشد. بدون علنیت و شفافیت، نمی تواند از آفرینش گری دمورکراتیک توده ها و از

مشارکت و حتمکشان در رهبری، سخنی در میان باشد. لنین همواره شدیداً در برابر آن دسته از مسئولینی که می کوشیدند قصور و تقصیر خود در امور را بهوشانند تا به و عزم انباشمورد بهره برداری دشمنان سوسیالیسم قرار نگیرد، واکنش نشان می داد. او بر آن بود که پوشاندن حقیقت و فقدان علنیت تنها به نفع آنانی است که کارکرد بد خود را از نظر ما مخفی می کنند. فقدان علنیت تنها به مدیریت بد میدان می دهد و مبنای سیاست دمورکراتیک را زیر پا می نهد. از این نظر علنیت نه صرفاً یک مقوله تشکیلاتی، بلکه یک مقوله سیاسی است. وحتمکشان باید در مورد همه مسائل و مشکلات موجود در تمام سطوح رهبری جامعه، آگاهی حاصل کنند، در مورد همه چیز به قضاوت بپردازند و از این امکان برخوردار باشند که نظر خود را ابراز دارند.

"روشنایی، روشنایی بیشتر!" چنین است فرمول فشرده و بر معنی لنینی علنیت.

سخن لنین امروز نیز همچون هر هنگام دیگری، حقایق دارد. البته در دهه های گذشته این گروه نبود که از لنین کم قفل قول شود، از زبان او شعار داده شود و بر پرده های سیمای او رسم نکردد. اما روح لنینیسم کجا و یک جود گماتیک کجا.

سیم قرچ بخش دگرگونی، جامعه ما را به فعالیت واداشته است.

امروزه ما بر آن نیستیم برای این که کردارمان لنینی باشد، سخنان بدیبه را تکرار کنیم. ما می خواهیم مستقلاً و انتقادی بیندیشیم. اکنون اشتقاق یکی از اجزای اساسی ساختمان سوسیالیسم و وسیله موثری برای زدودن دکاتیسم است. در تاریخ دولت شوروی بعد از لنین، از این وسیله، آشکوه که شاید و باید، استفاده نشد. نتیجه این گردید که سیاست مبتنی بر جزئیات و اوامر شکل گرفت که به خرافاتهای اقتصادی، سیاسی و انسانی منجر شد.

انتقاد لنینی خلق است، چرا که ضد جزئیات است، و نیز سازنده است، چرا که مبتنی بر زندگی است. همان بسیاری شعارها در زمینه انقلاب به مثابه فقدانچه که کینه گشته است، در زمینه نقش تاریخی پرولتاریا در امر کنار افکندن بهره کشان و ستمگران و در مورد دیالکتیک به مثابه نقد چریان، از برداریم. این فرمولهای عام تفکر و عمل انقلابی کینه فکته اند (و کینه نخواهند گردید، زیرا هر آن کسی که بخواهد جایگاه خود را در تاریخ و مفهوم تاریخی مبارزه و تلاش خود را درک کند باید بدان رجوع کند.) اما یک فرد معین با علایق و آماجهای خود ویژه اش، شاید همواره نتواند در این قواعد خوراک کافی برای اندیشه اش و مبنای مکی برای کار عملیش پیدا کند. اصول لنینی اشتقاق به ما یاری می رساند تا این مبنای را خلق کنیم.

سخنرانی میخائیل گارباجف در پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی: "پایبندی بی‌خداشه به مارکسیسم لنینیسم و مبارزه قاطع با میراث دگماتیک، بوروکراتیک و اراده‌گرایانه"

بقیه از صفحه آخر
دبیرکل حزب ضمن نطقی به برخی
پنواش ابیدولولویک فوساوی که باید
پیش او شود همین کفرافش سراسری
حزب در ماه ژوئن بررسی بشود،
پرداخت.

گارباجف گفت: "پلنوم ما در
مقطع حسابی او روند فوساوی بررسی
می‌شود. نظر به دگر آتیوه شدن زندگی
اجتماعی و اصلاحات رادیکال
اقتصادی، حزب باید دورضای دقیقی
برای عملکرد آتی خود داشته باشد.
این است آن خط راهمایی که دفتر
سیاسی در تدوین طرح دستور کار
کفرافش فوساوی حزب در برابر خود
قرار داده است. این کفرافش باید در
زمینه کار استراتژیک حزب در مورد
مسائل بسیاری تصمیم اتخاذ کند."

در ادامه فلق دبیرکل حزب
کمیونست اتحاد شوروی آمده است:
"تحولات، آگاهی و روان مردم،
علاق و موضع آنها در جامعه و در
کلکتیوهای کار را دربرمی‌گیرد.
باید افغان داشت که بسیاری از مردم
نیک سیرت نیز در گذشته به
بی‌قانونی‌ها و کسودها عادت کرده، در
قبال این پدیده‌ها بی‌تفاوت شده و از
فعالیت اجتماعی خود کاسته بودند.

بسیاری، مفهوم اصلاحات آغاز شده را
فورا درک نکردند و در نهایت گفتند که
فوساوی، افی‌های جدید در برابر
زندگی می‌کشاید، انسانها را اعتلا
می‌بخشد، و در انطباق کامل با منافع
مادی و معنوی آنهاست. فوساوی
به حساب آنها بی‌میرسد که مطابق با
کار انجام شده خود و نه مطابق با حکم
وجدان زندگی کرده و کار خود را به
انجام داده‌اند، تا چه رسد به
فقدان گفتگان آشکار قوانین و
اخلاقیات جامعه شوروی.

چنین است موقعیت سیاسی
وایدولولویکی که به نظر من ساده
نیست و ما باید در آن عمل کنیم. حزب
ناچار است اقلب، چه در تولید و چه
در عرصه فکری، برای فوساوی مبارزه
کند. بدیهی است این مبارزه شکل
پیکار قهرآمیز طبقاتی را به خود
نمی‌گیرد. اما رفقا، ما می‌بینیم که
این مبارزه چه سخت است."

گارباجف افزود:
"بحث دافی درباره مواضع
راه‌فوساوی جریان دارد. مردم از
ایکجه مصوبات راهمکاش پلنوم‌های
ژانویه و ژوئن کمیته مرکزی
ح.ک.ا.ش به کفندی و توام با

مشکلات تحقق می‌یابند، فکراتند.
برای شخصیت بار پس او دهها سال،
شاهد شوعی پلورالیسم سوسیالیستی
عقاید شده‌ایم. این هم، امری
غیرعادی است و مورد ارزیابی واحدی
نیست، بلکه مستلزم مطالعه، تحلیل
و تدقیق است. اما ما باید در میان همه
این پدیده‌ها، مهمترین فکته را
بهیغیم؛ افزایش حمایت مردم از
سیاست فوساوی."

رهبر ح.ک.ا.ش تاکید کرد:
"ما شاهد آنیم که بعضی‌ها دچار
سردرگمی شده‌اند که آیا ما از مواضع
سوسیالیسم منحرف نشده‌ایم، به
مخصوص وقتی اشکال فوبین و غیرعادی
تولید، زندگی اجتماعی را ابداع
می‌کنیم؟ آیا ما خود آموزش
مارکسیسم لنینیسم را مورد تجدید
نظر قرار می‌دهیم؟ تعجبی ندارد که
سروکله "مدافعان" مارکسیسم -
لنینیسم و آنچه‌کشان در "سوک"
سوسیالیسم هم پیدا شده است که
می‌گویند هم مارکسیسم - لنینیسم و هم
سوسیالیسم در خطرند."

در ادامه سخنان گارباجف
آمده است:
"امروز این ارزیابی به کرسی
نخسته است که فوساوی مرحله‌ای به
لحاظ عیشی ضروری در رشد جامعه
شوروی است که هدف آن، تحقق
کیفیتی فوبین است. ما باید تحولاتی
اساسی در نیروهای مولده و مناسبات
تولیدی، فوساوی انقلابی ساختارهای
اجتماعی و سیاسی و رشد توان فکری
و معنوی جامعه را تامین کنیم. ما
می‌کشیم در شرایط حاضر، نظام
اجتماعی را به صورت لینی آن احیا
کنیم و آن را از اضافات و خدشه‌ها و از
هر آنچه جامعه را فلج می‌کرد و مانع
تحقق کامل و موثر توان
بالقوه سوسیالیسم بود، پاک سازیم.
مهمترین هدف ما رساندن جامعه
سوسیالیستی به کیفیتی فوبین، با در نظر
گرفتن واقعیات جهان امروز است."

دبیرکل ح.ک.ا.ش در بخشی
دیگر از سخنان خود گفت:
"در طول ۷۰ سال، حزب و خلق ما
از اندیشه سوسیالیسم الهام گرفته و
سوسیالیسم را ساخته‌اند. اما به علل
بخارجی و داخلی موفق نشدیم به حد
کافی اصول لینی نظام فوبین اجتماعی
را تحقق بخشیم. کیش شخصیت، نظام
مدیریت مبتنی بر دستور او بالا که در
دهه ۳۰ شکل گرفت، اشرفیات
بوروکراتیک، دگماتیک

واراده‌گرایانه، خودسری و فیهو، در
اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰، فقدان
ابتکار و پدیده‌های ترمو کفنده که به
رکود انجامیدند، ماضی جدی بر سر
این راه شدند."

گارباجف افزود: "این
پدیده‌ها و همه بقایای آنها که تا زمان
ما مانده‌اند، باید برای همیشه اومیان
بروفد. در اینجا به آشنایی نیز که
ابراو تردید می‌کنند که مبادا او
سوسیالیسم و مباحث آن - مباحثی
ساخته شده توسط فیل‌های مردم شوروی -
منحرف شویم، می‌گوییم نه! ما یک
کام هم از سوسیالیسم، از مارکسیسم -
لنینیسم را از هر آنچه خلق بدست
آورده و ایجاد کرده است، منحرف
نمی‌شویم. اما با میراث دگماتیک،
بوروکراتیک و اراده‌گرایانه قاطعانه
مبارزه می‌کنیم، زیرا این میراث
فهربطی به مارکسیسم - لنینیسم
دارد و نه به سوسیالیسم واقعی."

رهبر ح.ک.ا.ش در این رابطه
به مسائل تاریخ تکاری پرداخت و بر
این ضرورت تاکید کرد که "شیوه
زندگی و کار و عقاید مردم به دقت
شکافته شود، فوشته شود که چگونه
پیروزی‌ها و شکست‌ها، ابداعات و
اشتباهات، پدیده‌های مسرت‌آور
و قم افکیز، شور انقلابی توده‌ها و نقش
قانونیت سوسیالیستی و حتی جنایات
بهم توام شدند. این است فکرش علمی
و ماتریالیستی به تاریخ، به مثابه ثمره
فعالیت توده‌های مردم. این است
برداشت دیالکتیکی از تاریخ که عاری

نگاهی به چند

بقیه از صفحه ۶
ارزش افزوده هتکتت این بخش،
سکوت می‌کند.
از سوی دیگر افزایش میزان
نقدینگی بخش خصوصی خود می‌تواند،
عاملی افشاکر در زمینه سیاست مالیاتی
رژیم باشد. نقدینگی بخش خصوصی نه
تنها در اثر کارگرفت سیاست مالیاتی
رژیم، کاهش فیاقت، بلکه تاکنون
پایه‌پای افزایش مالیات‌ها، افزایش
یافته است و به رقم شجومی ۱۱۰۰۰
میلیارد ریال رسیده است. جدول
شماره ۲، به مقایسه سال به سال میزان
مالیات‌ها و نقدینگی بخش خصوصی
می‌پردازد. این است فکدی گویا از
کاربست ساختار جدید مالیاتی کشور.
رژیم تنها درصد آن است که نیازهای
مالی خود را از طریق چپاول مردم

او یکجاشبه فکری است و در آن،
تاریخ هم با همه تنوع، پیچیدگی
و تناقض خود و بدون تاکید بیش از حد
بر جنبه‌های جداگانه، مورد بررسی
قرار می‌گیرد."

سخنران تاکید کرد: "باؤکشت
به تاریخ ما تنقا به انکیظه علاقه
به دانستن گذشته نیست، بلکه برای
کار امروز ما، برای حل مسائل فوساوی
اهمیت حیاتی دارد."

در ادامه فلق گارباجف آمده
است: "از لحاظ فکری، فوساوی تلاشی
تعیین کفنده برای فوساوی اهمیت
عظیم ارزشای سوسیالیسم در چشم
همگان است. مهمترین این ارزش‌ها،
سمت گیری در جهت مخافق و محتمکشان
است. باید فوشکار بوروکراسی را او
ارزش‌ها و آرمانهای سوسیالیسم و دود.
این ارزش‌ها باید او همه عناصر
غیرافسانی که می‌رفت تاجای آنها را
بگیرد، پاکسازی شود. باید بهترین و
خلاقانه‌ترین نیروهای افسانها را
آزاد و رشد معنوی آنها را تضمین کرد.
ما بر اثر این واقعیت که
نخواستیم این خلاقیت و استقلال
انسانها را به طور کامل گسترش
بخشیم، لطمه بسیار خورده‌ایم
و می‌خوریم. رشد خلاقیت و استقلال
انسانها بزرگترین، پیچیده‌ترین
و مهمترین وظیفه فوساوی است.
سوسیالیسم، جامعه‌ای او افسانهای
دارای ابتکار است. اما خود
سوسیالیسم نیز، بزرگترین ابتکار
تاریخ است."

تأمین کند. مواد لایحه مالیات‌ها،
مستقیم، علیرغم نمای ظاهر، آن،
محصول ورشکستگی اقتصادی حکومت،
و عامل غارت مستقیم و غیرمستقیم
توده‌هاست. مواد این لایحه حتی اگر
در مورد برخی از صاحبان سرمایه نیز
اعمال گردد، بهیچوجه عمومیت
نخواهد یافت و صاحبان سرمایه در
بافت اقتصادی حاکم، زیان وارده را
به زیان توده‌ها جبران خواهند کرد.
فشار مالی سیاستهای دولت بر دوش
توده‌ها، هنوز رضایت برخی از
مسئولین حکومتی را جاب نکرده
است. اسدالله پادامچیان مخبر
کمیسیون امور اقتصاد و دارائی در
مصاحبه با رسالت ۵ بهمن، اعلام کرده
است که دولت علاوه بر مالیات‌های
جاری و معمول باید "فکری کند
که خمس و سهم امام و نکات و... هم
وصول شود."!

"روزخشم" در فلسطین اشغالی



مزدوران صهیونیست در اردن غربی؛
انگشت بر روی ماشه

در روز سه شنبه هفته گذشته تظاهرات وسیعی در تمام مناطق اشغالی در گرفت. اعلامیه‌ای با امضای "کمیته سازماندهی قیام ملی" این روز را "روزخشم" اعلام کرده بود. "روزخشم"، روز ابراهیم تغیر نسبت به زنده به گور کردن چهار فلسطینی از سوی سربازان اسرائیلی در اردن غربی بود. در روزهای بعد نیز تظاهرات ادامه یافت. در روز پنجشنبه، ۲۱ فلسطینی در رام الله و نابلس به توسط مزدوران صهیونیست، دستگیر شدند. در این روز رام الله و روستاهای مجاور آن به عنوان منطقه نظامی اعلام شد.

کارشکنی پاکستان در مذاکرات ژنو

عبدالصمد ظفر، سفیر افغانستان در دبی، نود و یک روز جمعه هفته گذشته (۱۹ فوریه) در طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که دولت مطبوع وی مطلقاً شرایط پاکستان برای امضای قرارداد صلح در ژنو را نخواهد پذیرفت. رژیم ژنرال ضیاالحق امضای قرارداد صلح را منوط به تشکیل یک حکومت انقلابی در کابل با شرکت باندهای ضد انقلابی، اعلام کرده است. عبدالصمد ظفر، این شرط گذاری را "خنده وار" کردن بر استقلال افغانستان "توصیف کرد.

خبرهای کوتاه

* در روز دوشنبه ۹ فوریه هزاران بیکار در پارلمان انگلستان در لندن دست به تظاهرات زدند.

* دولت پرو حالت فوق العاده‌ای را که از دوسال پیش در لیما و بندر مجاور آن کالائو برقرار است، به مدت دوماه دیگر تمدید کرده است. هدف از تمدید حالت فوق العاده تداوم بخشیدن به جو حکومت نظامی و سرکوب خشن و آشکار در کشور است.

* در هفته گذشته در تیرانا، مذاکره بین یوگسلاوی و آلبانی برای بستن یک قرارداد فرهنگی آغاز شد.

انگلستان و سلاحهای اتمی آمریکایی بیشتر

انگلستان استقرار دارند. مارکارت تاجر هدف از افزودن بر تعداد این نوع بمب افکن‌ها را بر کردن بمب افکنهای کروژ و پرشینک - که طبق قرارداد واشینگتن برچیده خواهند شد - اعلام کرده است. بعد از قرارداد واشینگتن، که به امضای میخائیل گاباچف و ریگان رسید، ناتو فوراً در صدد برآمد که به جای بمب افکنهای اتمی برد متوسط مستقر در اروپای غربی، سلاحهای اتمی دیگر مستقر کند.

موجی از اعتصاب در پرتغال

کشتی رانی در اعتصابات هفته گذشته شرکت داشتند. روز چهارشنبه با اعتصاب ۱۰۰۰ نفر از کارکنان راه آهن حرکت اعتصابی و سمنکشان ابعاد تازه‌ای یافت. خواسته همه شرکت کنندگان در اعتصابات هفته گذشته انعقاد قراردادهای جمعی تازه و افزایش دستمزدهاست.

هفته نامه "ساندی تایمز" چاپ لندن، در شماره هفته گذشته خود نوشت که مارکارت تاجر نخست وزیر انگلستان، خواهان استقرار تعداد بیشتری سلاحهای اتمی آمریکایی در خاک این کشور است. مارکارت تاجر بر آن است تا بمب افکنهای آمریکایی نوع اف-۱۱۱ مستقر در انگلستان را ۶۰ فروند، افزایش دهد. در حال حاضر ۱۵۰ فروند از این نوع بمب افکن که قادر به حمل بمبهای اتمی است، در خاک

سیاست دولت محافظه کار سیلوا مینی بر کاهش دستمزدها، پاسخ دندان شکنی از ژمنکشان پرتغالی گرفت. هفته گذشته، هفته اعتصابات گسترده در پرتغال بود. کارگران کارخانه‌های آهن و فولاد، کارکنان مترو، کارکنان پست، کارکنان خبرگزاری دولتی، کارکنان راه آهن، کارکنان برق و کارکنان

موفقیت‌های نظامی تازه اف.ام.ال.ان

سرکوب در دوارته منهدم گردید. ارتش دوارته عملیات تازه‌ای با عنوان "قفقوس ۱۴" علیه چریکهای اف.ام.ال.ان آغاز کرده است. تهاجم تازه با مقاومت قوی مانده و زخمی‌ها مواجه شده و موفقیتی برای رژیم به بار نیاورده است. اولین حمله وسیع رژیم به یکی از مقالق تمرکز چریکها در آغاز فوریه منجر به کشته شدن ۵۰ مزدور گردید.

رادیر "وشرموس"، رادیوی جبهه آزادی بخش فارابو ومارتی (اف.ام.ال.ان) خبر داد که در روز سه شنبه هفته گذشته (۱۵ فوریه) رژیم آوران این جبهه یک کشتی جنگی رژیم دوارته را منهدم ساختند و در جریان حمله ۶ مزدور را از پا درآوردند. دو هفته پیش در جریان یک حمله دیگر ۱۳۰ مزدور به هلاکت رسیده بودند. در جریان یکی از حملات دو هفته پیش یک ایستگاه مخابراتی نیروهای

آفریقای جنوبی؛ ۹۰۰۰ مورد دستگیری در یک سال

نژادپرستان نیز به شکنجه و کشتار مشغولند. در آغاز ماه فوریه یک دانشجوی ۱۸ ساله سیاهپوست به نام سیلودلمو اوسوی "جوخه‌های مرگ" ترور شد. او در سال ۱۹۸۶ در زندان بود و از ابرو ترور شد که در زمینه شکنجه و کشتار در زندانهای آفریقای جنوبی گزارش را در اختیار روزنامه نگاران قرارداد بود.

عکس زیر صفحه‌ای از مراسم به خاک سپاری سیلودلمو را نشان می‌دهد.

در هفته گذشته "کمیته دفاع از خانواده‌های زندانیان سیاسی" در آفریقای جنوبی گزارش مفصلی در زمینه نقض حقوق بشر از سوی رژیم نژاد پرست پرتوریا، انتشار داد. در این گزارش آمده است که در سال گذشته ۹۰۰۰ نفر، بدون این که به دادگاهی فرستاده شوند، به زندان افکنده شده‌اند، ۶ نفر در جریان بازجویی زیر شکنجه کشته شده و ۵ نفر به دلیل سیاسی اعدام شده‌اند. در کنار پلیس و ارتش، "جوخه‌های مرگ"



بمناسبت سالگرد کشتار وحشیانه رهبران خلق ترکمن

آی تو ما ج، خونت شراره...

شوروی اصفهانی بچه خیلی خوبی بود که به دست همین گرومها در خیابانهای تهران به درجه شهادت رسید - آقای بقیه رئیس سیاه پاسداران ایلام اگر شهید شده باشد - وجه بگویم برای شما آقای هاشمی - حاج احمد آقا شخص حضرت امام - خود آقای مغنظری همه مسئولین - آقای دکتر بهشتی و آقای قدوسی. کیست که نداند این چرپانان را؟ همه می دانستند. آقای رفیق دوست هم می داند. ۹۴ نفر منجمه تو ما ج - واحدی - مختوم - چرجانی، ایضا زابنده اعدام کردم، ۹۴ نفر را اعدام کردم بی یک نفر... من با قاطعیت اسلامی در کتف وارد جریان شدم و خلق ترکمن را در آنجا کوبیدم... من ایضا را اولین بار فیس که گفته باشم، ولی در جریان اولین بار است منتشر می شود... می گویند قتل قتل عمدی بوده. بلکه که عمدی بوده. بقیه در صفحه ۷

"۶ نفر را محکوم به اعدام کردم آنوقت اوضاع آرام شد... من ۹ نفر را محکوم به اعدام کردم. آنها را اعدام کردند و آب از آب تکان نشورد... در سردشت و پاشه و تمام کردستان ما حاکمه داشتیم... ما مثل اجل معلق سر می رسیدیم... هر کسی را بگیریم در دست سلحه بوده باشد، خکش اعدام است... من با قاطعیت در کتف وارد شدم و یکی از کارهای برجسته و انقلابی ام در کتف بود... ما دستور دادیم هر کسی را که مسلح باشد بیاورند که آوردند یکی، دوتا، سه تا، پنج تا، هر کسی را که مسلح آوردند ما اعدام کردیم. این جریان را که می گویم شامد زنده داریم، آقای مصحف استاندار آن زمان ماژندران - آقای دادستان آن زمان ماژندران، دادستان کل و آقای درویش رئیس سیاه پاسداران کتف - آقای درازکیسو که چندی پیش سفیر جمهوری اسلامی ایران در آلمان شرقی بود - آقای

سخنرانی میخائیل گارباجف در پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

در هفته گذشته پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح.ک.ا.ش) که بررسی اصلاحات نظام آموزشی این کشور در دستور کار آن قرار داشت، تشکیل شد. یکور لیکاجف، عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی در آغاز این پلنوم طی سخنانی اظهار داشت هدف از اصلاحات در نظام آموزشی، حداکثر بهره گیری از توان و برتری های سوسیالیسم و رساندن مدارس شوروی به عالی ترین سطح است. پلنوم، مصوبه ای در مورد انجام اصلاحات در مدارس متوسطه و عالی گذراند. در پلنوم، بیوری ماسلیوکف و کلورکی راسومفسکی به عنوان اعضای علی البدل دفتر سیاسی برگزیده شدند. بوریس بیلستین او انچام وظیفه به عنوان عضو علی البدل دفتر سیاسی معاف شد. در پلنوم، میخائیل گارباجف بقیه در صفحه ۱

تمهیدات اقتصادی تازه در نیکاراگوئه

دانیل اورتگا رئیس جمهور نیکاراگوئه در روز یکشنبه ۸ فوریه تمهیدات تازه ای را برای بهبود وضع اقتصادی کشور اعلام کرد. هدف از تمهیدات تازه، مقابله با بی آمدهای اقتصادی، تهاجمات نیروهای ضد انقلابی و بهبود زندگی زمینکنان است. حملات نیروهای ضد انقلابی و بهبود زندگی زمینکنان است. سال ۱۹۸۱ تاکنون منجر به ۲/۸ میلیارد دلار خسارت اقتصادی در نیکاراگوئه شده است.

درصد تمهیدات اقتصادی تازه، عوض کردن پول در گردش است که در هفته گذشته به اجرا درآمد. نرخ برابری واحد پول تازه در برابر دلار، نسبت به واحد پیشین کاهش یافته است. اکنون هر "کوردوبا" برابر است با یک دهم دلار. تعیین حداقل و حداکثر دستمزد، بالا بردن دستمزد کارگران زمینکنان فقیر، و قیمت گذاری تازه بر روی مواد مصرفی و خدمات، از دیگر تمهیدات اقتصادی تازه دولت نیکاراگوئه است.

برای اشتراك نشریات «کار» و «اكثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «کار»
۱۳ مارك	۱۱ مارك	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
۲۴ =	۲۱ =		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «اكثریت»
۳۰ مارك	۲۷ مارك	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۵۸ =	۵۲ =	☐ يك ساله	☐ يك ساله
۱۱۵ =	۱۰۲ =		

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید)

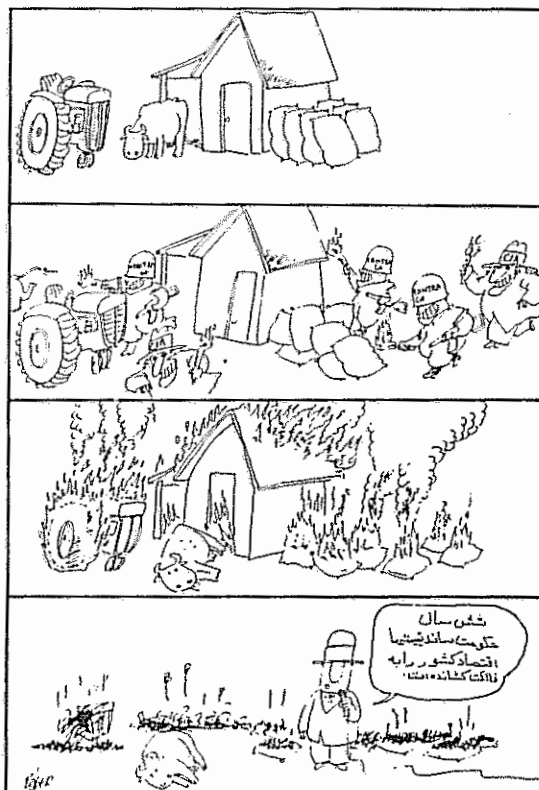
AKSARIYAT
NO.196

MONDAY, 22 FEB, 88

حساب بانکی:
AUSTRIA .WIEN
BAWAG
BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید



طرح از روزنامه مورنیگ استار